

صندوق بازنشستگی فولاد؛ سرگذشت جوانی که زود پیر شد

- چرا درآمدهای جاری صندوق کارکنان فولاد برای انجام تعهدات این صندوق کافی نیست؟
- واگذاری صندوق بازنشستگی فولاد به صندوق بازنشستگی کشوری بحران بزرگ تازه ای را به صندوق بحران زده بازنشستگی کشوری منتقل می کند

[حسن یحوی]

سابقه صندوق بازنشستگی فولاد به سال های قبل از انقلاب اسلامی و تشکیل صندوق بازنشستگی در شرکت ملی ذوب آهن ایران بازمی گردد. پس از انقلاب اسلامی طبق لایحه قانونی مصوب ۱۳۵۸/۰۹/۲۸ شورای انقلاب با ادغام شرکت ملی ذوب آهن ایران و شرکت ملی صندوق فولاد ایران و تشکیل شرکت ملی فولاد ایران، صندوق بازنشستگی فولاد تحت عنوان «صندوق بازنشستگی شرکت ملی فولاد ایران» به فعالیت خود ادامه داد. در همین راستا نهایتاً بر اساس مصوبه ۱۳۷۶/۰۳/۱۸ هیات مدیره شرکت ملی فولاد ایران، «موسسه صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد» بر مبنای اساسنامه مصوب هیات مدیره شرکت ملی فولاد ایران تأسیس شد. اما از همان ابتدا مانند بسیاری از صندوق های بازنشستگی خصوصی و عمومی کشور، بیش از آنکه مبنای بیمه ای و اکچوئری مورد توجه قرار گیرد، اقتضانات اقتصاد سیاسی زمینه های تشکیل، صورت بندی ساز و کارها و آیین نامه های صندوق را عهده دار بودند. تأسیس این صندوق در اوج فعالیت صنایع فلزی تحت پوشش صندوق بود و بیش از آنکه مبنای اکچوئری بنیان های صندوق را ایجاد کنند، بلکه سرمستی ناشی از منابع سرشار مانع لحاظ کردن تعهدات آتی و افق های نامشخص آینده صندوق و مشترکین (حقوق بگیر و کسور پرداز) آن شد.

و سازمان ایمنی، بدون لحاظ کردن کمک های موثر این شرکت ها در تأمین مالی کسری تعهدات و کمک در پرداخت مستمری بازنشستگان خود در موسسه صندوق بازنشستگی فولاد اقدام به واگذاری سهام این شرکت ها کردند. از این منظر و با توجه به عدم لحاظ شدن این تعهدات در ارزش گذاری و عدم انتقال کارآمد آنها به صاحبین جدید این واحدها، عملاً بهانه جویی و طفره رفتن از اجرای تعهدات و

نیز اقدامات غیر کارشناسانه و بدون توجه به اصول اکچوئری، بار مالی و تعهدات سنگینی را بر صندوق فولاد تحمیل کرد. ابتدا در دهه ۶۰ و ۷۰ پیش از ۴۳۵۱۶ نفر از بازنشستگان با احتساب سنوات افزوده (۴۰۴) سال مشاغل سخت زیان آور بازنشسته شده اند. از طرفی در سال ۱۳۶۵ که طرح بازنگری و فرآیند تعدیل نیروی انسانی در شرکت ملی فولاد ایران آغاز شد، طی شش مصوبه شورای عالی آن شرکت تا سال ۱۳۷۴ تعداد ۴۲۷۸۰ نفر با حدود ۱۲ سال سابقه و با میانگین ۸ سال سنوات افزوده و ارفاقی پیش از موعد بازنشسته و به حقوق بگیران صندوق اضافه شدند. در سال ۱۳۷۴ نیز انتقال سوابق حدود ۵۲ هزار نفر از مشمولین بیمه سازمان تأمین اجتماعی با میانگین سابقه حدود ۱۲ سال با حداقل سرانه ۵۲۰ هزار ریال و جمعاً معادل ۲۵ میلیارد ریال که مبلغ مذکور با بدهی تاریخی واحدهای متبوعه بازنشستگان با تأمین اجتماعی تهاوت شد و نهایتاً مبلغ شش میلیارد ریال به صندوق فولاد منتقل شد. این توافق بدون توجه به آثار مالی آن و پرداخت میزان دقیق حق بیمه متناسب با سوابق زمان توافق افراد مشمول، مشکلات عدیده ای را در پی داشته است.

با شروع موج خصوصی سازی، واحدهای فولادسازی و معدنی تحت پوشش صندوق فولاد نیز در روند واگذاری به بخش خصوصی قرار گرفتند اما همچنان مانند گذشته اصول بیمه ای و محاسبات فنی در فرآیند واگذاری نیز مورد اعتنا قرار نگرفتند. متأسفانه در ارزش گذاری این واحدها تعهدات آنها مبنی بر پرداخت کمک مستمری بازنشستگان و هزینه های جانبی منبعث از تبصره (۱) ماده (۹۸) آیین نامه استخدامی شرکت های تابعه وزارت معادن و فلزات لحاظ نشد. به بیانی دیگر گرچه خصوصی سازی موضوع واگذاری شرکت های سودده بوده است اما با در نظر گرفتن تعهدات این شرکت ها، به وضوح شرایط متفاوت می بود. سازمان خصوصی سازی

زمانی که یک صندوق بازنشستگی تأسیس می شود باید در مورد اینکه در طول زمان همچنان نسبت تعداد مشترکین کسور پرداز به بازنشسته (نسبت پشتیبانی) از رقم قابل قبولی برخوردار باشد اطمینان حاصل شود. یعنی همواره رابطه منطقی میان تعداد ورودی ها و خروجی ها و منابع و مصارف صندوق وجود داشته باشد تا صندوق پایدار شود اما در صندوق فولاد از همان ابتدا با توجه به ماهیت شرکت های تحت پوشش، ویژگی مشترکین و البته مشکلات و چالش های اقتصاد کلان، پیش بینی می شد با گذشت زمان تعداد حقوق بگیران از تعداد مشترکین کسور پرداز به طرز شگرفی پیشی بگیرد. اما شور بختانه در نتیجه عدم توجه به همین اصل ساده اما کلیدی، از همان سال های ابتدایی، صندوق فولاد علائم بلوغ یا به زبانی دیگر پیری را از خود نشان داد. در زمان تأسیس صندوق نسبت پشتیبانی منطقی در سطح بالایی قرار داشت اما با گذشت اندک زمانی این نسبت روند نزولی را طی کرد و از سال ۱۳۶۸ نسبت پشتیبانی در صندوق فولاد به کمتر از شش کاهش یافت و این روند نزولی تا اکنون نیز ادامه یافته است تا در سال ۱۳۹۴ این نسبت به ۰،۱۲ برسد. ضمناً باید توجه کرد که طی سال ۷۶-۱۳۵۳ به مدت ۲۴ سال دوران طلایی و بلوغ که صندوق فرصت سرمایه گذاری و تولید ثروت را داشته، معادل ۲۸۸ ماه با میانگین ۴۰ هزار نفر مشترک کسور پرداز حدود ۱۱/۵ میلیون نفر ماه، مبالغ کسور سهم کارکنان و کارفرما در این مقطع زمانی به حساب صندوق واریز نشده و نحوه تسویه آن نیز مبهم است. یعنی حتی در زمانی که به ظاهر صندوق دوران جوانی خود را طی می کند، منابع و ورودی های صندوق شفاف نبوده تا زمینه سرمایه گذاری بهینه آن را ایجاد کند. از این منظر ریشه کسری شدید صندوق فولاد را در همان سال های ابتدایی تأسیس می توان جستجو کرد. اما این همه ماجرا نیست، چرا که در سنوات بعدی

تجمع بازنشستگان فولاد
مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی



نهایتاً تامین کسری منابع صندوق از محل فروش دارایی‌ها و کمک‌های دولت شدت گرفت. به بیانی دیگر صندوق بازنشستگی فولاد با هزینه حق بیمه کارگران فولاد و کمک کارخانه‌های فولاد که آن

سازمان خصوصی‌سازی و سازمان ایמידرو، بدون لحاظ کردن کمک‌های موثر این شرکت‌ها در تامین مالی کسری تعهدات و کمک در پرداخت مستمری بازنشستگان خود در موسسه صندوق بازنشستگی فولاد اقدام به واگذاری سهام این شرکت‌ها کردند

زمان هنوز دولتی بودند، تشکیل شد اما زمانی که این کارخانه‌ها به بخش خصوصی واگذار شدند (واحدهایی نظیر ذوب‌آهن، فولاد خوزستان، فولاد مبارکه و...) کمک‌های آنها به عنوان یکی از منابع تأمین این صندوق از دست رفت. این کارخانه‌ها درصدی از درآمد حاصل از فروش محصولاتشان را به صندوق بازنشستگی فولاد واریز می‌کردند اما این منبع درآمد بعد از واگذاری‌ها قطع شد و صندوق بازنشستگی فولاد پس از آن از محل درآمد حق بیمه کارگران و سرمایه‌گذاری‌ها منابعش را تأمین می‌کرد. با این وصف نه تنها خصوصی‌سازی به کاهش هزینه‌ها و تصدیی‌گری دولت کمک نکرد، بلکه نقش آن را به عنوان تامین‌کننده کسری صندوق فولاد بیش از پیش کرد. بعد از تأثیر مخرب خصوصی‌سازی بر صندوق فولاد، براساس پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای اسلامی در بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور صندوق فولاد از وزارت صنعت، معدن و تجارت منتزع و به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منتقل شد و به میزان بدهی‌ها و کسری صندوق، اموال وزارت صنعت، معدن و تجارت و شرکت‌های وابسته و تابعه

با تأیید هر دو وزیر به صندوق منتقل شد. براساس نتایج محاسبات فنی و بیمه‌ای (اکچوئری) مورد تأیید سازمان حسابرسی کشور، از سال ۹۲ فرآیند نقل و انتقال کمتر از ۱۲ هزار میلیارد تومان سهام و دارایی‌های شرکت‌های دولت بابت ردیون آغاز شد. اما این نقل و انتقال‌ها رافع مسئولیت دولت در قبال تامین هزینه‌های سنگین ناشی از پرداخت حقوق و مستمری بازنشستگان فولاد نبود. چرا که آنچه اتفاق افتاد واگذاری تعدادی از شرکت‌های زیان‌ده (مانند واحدهای استخراج زغال سنگ) یا باسود کم (شرکت دخانیات) بود که باعث شد کسری منابع صندوق جبران نشده و حتی بر شدت مشکل بیفزاید. از مجموع هفت شرکت واگذار شده توسط دولت، تنها دو شرکت شامل شرکت دخانیات ایران و شرکت زغال سنگ پروده طبرس در سال ۱۳۹۵ سود نشان داده‌اند تا نهایتاً مجموع این شرکت‌ها زیانی به میزان ۱۲۸۰۵ میلیارد ریال به صندوق فولاد تحمیل کنند. از این منظر انتقال دارایی‌ها به صندوق بابت ردیون دولت، نه تنها کمکی به تامین مالی بابت پرداخت حقوق و مزایای بازنشستگان و پرداخت معوقات آنها و سایر دیون صندوق نکرده است، بلکه صندوق را با چالش‌هایی اساسی جهت حل مشکلات و مسائل شرکت از جمله بازدهی بسیار پایین دارایی‌ها (حدود ۲،۵ درصد)، نیروی انسانی مازاد، زیان انباشته، بهره‌وری پایین، دارایی‌ها و اموال مازاد و غیر مولد، فقدان نقدینگی و سرمایه در گردش و... مواجه کرد. یکی دیگر از مسائلی که صندوق فولاد با آن دست به گریبان است، ماهیت سرمایه‌گذاری‌های آن است. فارق از اینکه استراتژی سرمایه‌گذاری در هر صندوق بازنشستگی چه می‌تواند باشد، می‌بایستی بخش از سرمایه‌گذاری‌ها کانال‌های درآمدی جاری و سهل‌الوصولی را برای تامین منابع تعهدات جاری

ایجاد کنند. بخشی از سرمایه‌گذاری‌ها می‌بایستی اصطلاحاً «شب‌دخل» باشند تا تسریع منابعی را برای تعهدات عاجل از قبیل پرداخت مستمری ماهانه تامین کنند اما متأسفانه بررسی شرکت‌های

در دهه ۶۰ و ۷۰ بیش از ۴۳۵۱۶ نفر از بازنشستگان با احتساب سنوات افزوده (۴۰۴) سال مشاغل سخت زیان‌آور بازنشسته شده‌اند

صندوق فولاد نشان می‌دهد که بیش از آنکه آنها بتوانند کانال‌های جاری درآمدی ایجاد کنند بلکه انبوهی از مطالبات را در اختیار دارند که کمک چندانی به تامین مستمری و دیگر هزینه‌های مشترکین صندوق نمی‌کنند. از طرفی با توجه به این وضعیت، همواره فشار برای تقسیم سود و عدم امکان سرمایه‌گذاری مجدد آن به ویژه در رکود اقتصادی فعلی، احتمال سودآوری فعالیت‌های اقتصادی برخی از شرکت‌های سودده فعلی را در آینده با نااطمینانی‌هایی مواجه ساخته است. از این منظر حتی سودهای منعکس شده برخی شرکت‌ها ممکن است در نتیجه عدم نوسازی و توسعه‌های مجدد، در آینده تداوم پیدا نکنند.

تمامی پیش‌گفته‌ها باعث شده‌اند تا کسری عظیمی گریبانگیر صندوق فولاد باشد تا سرنویشت بیش از ۸۰ هزار حقوق‌بگیر، ۱۰ هزار کسورپرداز و خانواده‌های آنها با نااطمینانی و چالش مواجه باشند. براساس گزارش اکچوئری و اطلاعات صورت‌های مالی سال ۱۳۹۴، نسبت کسور دریافتی به مستمری پرداختی برابر با ۵،۴ درصد است که در مقایسه با سال ۱۳۹۳ (۸،۲ درصد) کاهش یافته است. این وضعیت بیانگر این است که درآمدهای جاری در برآورده کردن تعهدات جاری از کفایت برخوردار نیستند. از طرفی نسبت ذخایر صندوق به تعهدات جاری که بیانگر کفایت ذخایر صندوق در ایفای تعهدات جاری با فرض فقدان درآمدهای جاری (کسور جاری) است برابر با ۵/۱۵ سال است که بدان معناست که با فرض عدم افزایش مبالغ مستمری در سنوات آتی و همچنین عدم دریافت کسورات آتی، صندوق تنها از توان ایفای تعهدات جاری خود را تا حداکثر ۵/۱۵ سال برخوردار است. در حال حاضر زرمه‌هایی به گوش می‌رسد که مسئولین برای رفع بحران صندوق فولاد، آن را به صندوق به صندوق بازنشستگی کشوری منتقل کنند. اما باید توجه کرد که با توجه به وضعیت نامناسب این صندوق و نیز ویژگی‌های منحصر به فرد ضوابط و مقررات، ویژگی‌های مشترکین کسورپرداز، حقوق‌بگیران و فعالیت‌های اقتصادی در کنار نظام مدیریت صندوق فولاد، این انتقال نه تنها نتواند مشکل صندوق فولاد را تقلیل دهد، بلکه بحران بزرگی را به صندوق بحران‌زده بازنشستگی کشوری منتقل کند.

پیش‌گفته‌ها تنها بازگو کردن سرنویشت ناگوار صندوق فولاد نیست، بلکه باید گذشته چراغ راه آینده باشد تا اکنون که حل بحران صندوق‌های بازنشستگی تبدیل به دغدغه اساسی کشور شده است، به بهانه چاره‌جویی، ارزیابی‌ها و اقدامات عجولانه و غیر کارشناسانه عملیاتی نشوند.

